

زبان قرآن به مثابه زبان نشانه؛ تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن با تأکید بر توحید ربوبی و جهان‌شمولی تفسیر

مهدی نوری افشان^۱، حامد فتوت احمدی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴)

چکیده

این پژوهش با روش تحلیلی - تفسیری و با رویکردی نشانه‌شناختی به بررسی ماهیت زبان قرآن به مثابه «زبان نشانه» یا «نظامی از نشانه‌ها» می‌پردازد. با استناد به آیات و تأکید قرآن بر مفهوم «آیه» (نشانه‌بودن)، استدلال می‌شود که زبان قرآن فراتر از گزاره‌های عرفی یا علمی، مبتنی بر نظام نشانه‌شناختی است و قرآن نه تنها متنی دینی، بلکه شبکه‌ای از نشانه‌هاست که مخاطب را به کشف حقایق از طریق تعامل با نشانه‌ها و تأمل در هستی و توحید ربوبی - با تکیه بر کلیدواژه «حق» در قرآن - فرامی‌خواند. تحلیل محتوایی و نقش توحید ربوبی در هدایت انسان نشان می‌دهد که زبان نشانه‌محور قرآن، راهی جهان‌شمول برای درک حق ارائه می‌دهد که وابسته به فرهنگ، دانش و تجربه فردی و اجتماعی است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که رویکرد نشانه‌محور قرآن، امکان تفسیر پویا و تطبیق‌پذیر با شرایط زمانی - مکانی مختلف را فراهم می‌سازد، بدون آنکه به یکتا بودن حقیقت خدشه وارد شود. این پژوهش همچنین توحید ربوبی و نزدیکی به حق را به عنوان محوری برای وحدت‌بخشی به تفسیرهای متنوع از نشانه‌ها معرفی می‌کند؛ زیرا خداوند سراسر عالم را نیز بر پایه زبان نشانه آفریده است. یافته‌ها حاکی از آن است که خوانش نشانه‌شناختی از قرآن، راه حلی برای رفع تضاد میان ثبات حقیقت و تغییرپذیری تفسیرها است.

کلید واژه‌ها: زبان قرآن، زبان نشانه، آیه، حق، توحید ربوبی.

۱. استادیار مرکز زبان دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ nouriafshan@isu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران؛ hamed.fotovat@gmail.com

۱- بیان مساله

زبان به عنوان ابزار اصلی انتقال مفاهیم، در قالب‌های مختلفی همچون زبان عرفی؛ زبانی که در ارتباطات روزمره استفاده می‌شود (دامن‌پاک مقدم، ۴)، زبان علمی؛ زبانی که برای بیان دانش و اطلاعات دقیق به کار می‌رود و مبتنی بر تجربه است (کوهن، ۱۳۶)، زبان نمادین؛ مانند هنر و خواب که از نمادها و نشانه‌ها برای انتقال معنا استفاده می‌کند (چندلر، ۶۹) و زبان دینی ظهور می‌یابد. قرآن کریم به صراحت، خود را «بَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (الشعراء، ۱۹۵) معرفی می‌کند؛ اما در عین حال، واژه «آیه» را نه تنها برای آیات نوشتاری، بلکه برای نشانه‌های موجود در بیرون از قرآن مانند پدیده‌های طبیعی: «آيَاتٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (الجاثية، ۳) به کار می‌برد. این دوگانگی مفهومی، پرسش‌هایی را درباره ماهیت زبان قرآن ایجاد می‌کند که این مقاله در پی پاسخ به آنهاست:

الف. آیا زبان قرآن صرفاً زبانی عرفی، ادبی یا علمی است؟

ب. چرا قرآن از واژه «آیه» به عنوان کلیدواژه مرکزی برای آیات متنی و موارد بیرونی (اعم از پدیده‌های طبیعت، قوانین مربوط به انسان و انسان‌شناسی، معجزات پیامبران و آنچه مایه عبرت است) به طور مشترک استفاده می‌کند؟

ج. چگونه این زبان نشانه‌محور، با هدف هدایت به «صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (الفاتحه، ۶) همسو می‌شود؟

۲- مقدمه

۲-۱. هدف پژوهش

هدف این مقاله، تحلیل زبان قرآن به مثابه «زبان نشانه» با تأکید بر دومحور اصلی است:

الف. تبیین نقش نشانه‌ها (آیات) در ایجاد گفتگوی پویا بین قرآن و مخاطب، به گونه‌ای که فهم متن وابسته به تعامل فعال با نشانه‌ها باشد.

ب. بررسی ارتباط این زبان با مفهوم «توحید ربوبی» به عنوان محور هدایت قرآن با تکیه بر کلیدواژه «حق»، که بر تدبیر الهی جهان و ضرورت توجه به نشانه‌ها برای درک ربوبیت خداوند و هدایت به سوی صراط مستقیم تأکید دارد.

۲-۲. ضرورت پژوهش

مطالعات پیشین عموماً بر جنبه‌های ادبی، فقهی یا کلامی قرآن متمرکز بوده‌اند، اما جای خالی پژوهشی که زبان قرآن را از منظر نشانه‌شناسی (Semiotics) و در پیوند با توحید ربوبی تحلیل کند، به وضوح احساس می‌شود. این پژوهش با ارائه خوانشی نوین، نشان می‌دهد که زبان نشانه‌محور قرآن:

الف. امکان تفسیرهای چندلایه و تطبیق‌پذیر با شرایط مختلف تاریخی و فرهنگی را فراهم می‌کند.

ب. تناقض ظاهری بین «وحدت حقیقت» و «کثرت تفاسیر» را با تکیه بر توحید ربوبی و کشف حق و حقیقت حل می‌کند.

ج. پاسخگوی نیاز جوامع امروزی به خوانشی عقلانی و غیردگماتیک از متون دینی است.

۲-۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع این مقاله را می‌توان در سه گروه اصلی طبقه‌بندی کرد:

الف. مطالعات نشانه‌شناختی قرآن: محمد آرکون الجزایری (Arkoun) به بررسی قرآن به مثابه متن تاریخی - فرهنگی پرداخته است. وی با رویکردی انتقادی در کتاب «الفکر الأصولی و استحالة التأویل»، قرآن را نظامی از دلالت‌های باز می‌خواند که قابلیت تفسیرهای چندلایه دارد (آرکون، ۶۷). نصر حامد ابوزید در «مفهوم النص؛ دراسة فی علوم القرآن» قرآن را به مثابه نص متحرک تحلیل می‌کند که با تعامل مخاطب معنا می‌یابد. وی بر نقش نشانه‌ها در ایجاد گفتگوی بین متن و مفسر تأکید دارد (ابوزید، مفهوم النص، ۱۲۳). وی همچنین با تحلیل آیات محکم و متشابه، نشان می‌دهد قرآن همزمان از ثبات و انعطاف

نشانه‌شناختی برخوردار است (همو، نوسازی، تحریم و تأویل، ۱۴۵). طه عبدالرحمن در «تجدید المنهج فی تقویم التراث»، از منطق الإشارة در قرآن سخن می‌گوید و نشانه‌ها را ابزار هدایت می‌داند (عبدالرحمن، ۸۹). در منابع فارسی می‌توان به برخی کتب عبدالکریم سروش اشاره داشت که در آن استدلال می‌کند زبان قرآن، «زبانی رمزآلود و نشانه‌محور» است که مخاطب را به تأویل فعالانه دعوت می‌کند (سروش، فره‌تر از ایدئولوژی، ۱۲۶؛ همو، صراط‌های مستقیم، ۱۹۲ و همو، بسط تجربه نبوی، ۳۲۲).

ب. توحید ربوبی: در تفاسیر کلاسیکی مانند «المیزان» علامه طباطبایی، توحید ربوبی به‌عنوان اساس ارتباط انسان با خدا و پایه اصلی هدایت قرآن مطرح شده و نشانه‌های طبیعی، تجلی تدبیر الهی معرفی شده است (نک: طباطبایی، ۹-۱۱/۱۰)، اما پیوند آن با زبان نشانه‌ها بررسی نشده است. فخر رازی در «مفاتیح الغیب» (فخرالدین رازی، ۲۲/۳) و مرتضی مطهری در کتاب «توحید» نیز به این مسئله پرداخته‌اند. برای نمونه شهید مطهری توضیح می‌دهد که ربوبیت الهی، تنها به آفرینش محدود نمی‌شود، بلکه تدبیر مستمر جهان را شامل می‌شود (مطهری، ۸۴). همچنین محمدحسن قدردان قراملکی در کتاب «راز خلقت و بقا؛ رابطه خدا با جهان» معتقد است که توحید ربوبی پاسخگوی پرسش‌های فلسفی معاصر درباره نظم جهان است (قدردان قراملکی). در این زمینه مقاله «تبیین نسبت دومفهوم؛ توحید و علم، بر پایه کاربست کلیدواژه حق در قرآن کریم» نیز از زاویه‌ای نو به این موضوع نگریسته که در بخش توحید ربوبی به آن پرداخته خواهد شد.

ج. تفسیر پویا از قرآن: آثاری مانند «جامعه‌سازی قرآنی» از محمدرضا حکیمی، از نشر دلیل ما بر ضرورت خوانش زمان‌مند از قرآن تأکید دارند، اما مکانیسم این پویایی در خود متن قرآن تحلیل نشده است. ابن عاشور در «التحریر و التنویر» تأکید می‌کند که قرآن متناسب با تفاوت‌های فرهنگی مخاطبان، قابل تطبیق است (ابن عاشور، ۵۰/۱) و جوادی آملی در «تفسیر تسنیم» قرآن را کتابی فرازمانی می‌داند که نشانه‌های آن با پیشرفت دانش بشر آشکارتر می‌شود (جوادی آملی، ۱۲۳/۲). در این زمینه مقالاتی چون «قرآن و

کثرت‌گرایی دینی (پلورالیسم)؛ مبانی، زمینه‌ها و انگیزه‌ها» از سیدحسین هاشمی، مجله پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۸۱ش، شماره ۳۱ و «گونه‌شناسی آیات علمی قرآن و مبانی استنباط گزاره‌های علمی از آنها» از بهاره مظاهری تهرانی و دیگران، مجله آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۶ش، شماره ۲۶ نیز به چاپ رسیده است. از سوی دیگر مواردی چون «فی ظلال القرآن» و «رسالة التوحید» نیز وجود دارند که نشانه‌محور بودن یا تفسیر نمادین از قرآن را یا انحراف از نص قرآن می‌دانند و یا محدود به مواردی که نص صریحی در موردشان وجود ندارد (سیدبن قطب، ۷۵/۱ و عبده، ۱۱۰).

با وجود پژوهش‌های ارزشمند فوق، یک شکاف اصلی در ادبیات موجود مشاهده می‌شود و آن عدم تلفیق نشانه‌شناسی با توحید ربوبی و هدایت انسان به صراط مستقیم است. بیشتر مطالعات نشانه‌شناختی قرآن (مانند آثار ابوزید) به مباحث زبان‌شناختی محدود شده‌اند و ارتباط آن با توحید ربوبی را بررسی نکرده‌اند.

۲-۴. مبانی نظری

این بخش به معرفی چارچوب مفهومی پژوهش می‌پردازد که شامل سه محور کلیدی است:

الف. زبان نشانه از دیدگاه نشانه‌شناسی (Semiotics)

ب. مفهوم توحید ربوبی در قرآن

ج. جهان‌شمولی تفسیر نشانه‌ها

۲-۴-۱. زبان نشانه از دیدگاه نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای و فرایندهای دلالت می‌پردازد. براساس نظریه‌ای که متعلق به فردینان دوسوسور (Ferdinand de Saussure) است، هر نشانه از دو جزء تشکیل شده است:

الف. دال (Signifier): صورت یا شکل مادی نشانه (مثلاً واژه «آیه»)

ب. مدلول (Signified): مفهوم یا معنای مرتبط با دال (مثلاً «نشانه الهی») (چندلر، ۴۲)

از سوی دیگر، چارلز سندرس پیرس (Charles Sanders Peirce) نشانه را براساس رابطه‌اش با مدلول به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف. شمایل (Icon): مبتنی بر شباهت (مثلا تصویر کعبه به‌عنوان نماد اسلام)

ب. نمایه (Index): مبتنی بر رابطه علی یا فیزیکی (مثلا دود به‌عنوان نشانه آتش)

ج. نماد (Symbol): مبتنی بر قرارداد اجتماعی (مثلا کلمات در زبان یا واژه «رب» به‌عنوان نماد پروردگار) (Hartshorne, 227-248)

پیرس در این اثر تأکید می‌کند که هر نشانه از سه عنصر تشکیل شده است:

الف. نشانه (Sign-vehicle): شکل فیزیکی یا مفهومی نشانه.

ب. مصداق (Object): چیزی که نشانه به آن اشاره می‌کند.

ج. تعبیر (Interpretant): تأثیری که نشانه در ذهن مفسر ایجاد می‌کند. (همان و قائمی‌نیا، ۴۵)

در قرآن، واژه «آیه» به‌مثابه نماد عمل می‌کند که هم به متن نوشتاری قرآن اشاره دارد و هم به پدیده‌های طبیعی مانند: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ» (الذاریات، ۲۰). این دوگانگی، قرآن را به نظامی نشانه‌ای تبدیل می‌کند که درک آن مستلزم تعامل فعال مخاطب با دال‌ها و مدلول‌هاست (نک: نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تأملی در سبک زندگی توحیدی، ۱۸۲-۱۹۲).

۲-۴-۲. توحید ربوبی در قرآن

توحید در قرآن به دو سطح تقسیم می‌شود:

الف. توحید در خالقیت: پذیرش یکتایی خداوند در آفرینش؛ «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (الرعد، ۱۶)

ب. توحید ربوبی: پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر تدبیر جهان؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الفاتحة، ۱)

توحید در خالقیت، به اصل آفرینش اشاره دارد، در حالی که توحید ربوبی بر استمرار حاکمیت خداوند بر جهان؛ «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس، ۳۱) و رابطه انسان با این حاکمیت تأکید می‌کند. قرآن با تمرکز بر توحید ربوبی، انسان را به تأمل در نشانه‌ها فرامی‌خواند؛ «سُرِّهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ» (فصلت، ۵۳) تا از طریق آنها به درک ربوبیت الهی نائل شود و هدایت در صراط مستقیم را تجربه کند. مفهوم توحید ربوبی با کلیدواژه «حق» در قرآن کریم گره خورده است:

بر پایه باورهای قرآنی، خداوند متعال، یکتا خالق و آفریدگار هستی و مخلوقات است. او خالق عالم و قادر است که با دست توانای خود، جهان هستی را آفرید در حالی که به هر چیزی علم داشت و دارد. هم‌او به همراه خالقیت، عهده‌دار تربیت و تدبیر تمام امور مربوط به عالم نیز هست. براساس آیات قرآن، خداوند، خود «حق» مطلق است؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ» (الحج، ۶ و ۶۲ و لقمان، ۳۰) و هرآنچه از اوست برحق است. برای نمونه:

خداوند به حق سخن می‌گوید؛ «وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ» (الأحزاب، ۴)، وعده‌اش حق است؛ «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (لقمان، ۳۳)، به سوی حق هدایت می‌کند؛ «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ» (یونس، ۳۵)، دینش حق است؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ» (التوبة، ۳۳)، قضاوتش به حق است؛ «وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ» (غافر، ۲۰) و کتاب و رسولش را به حق فرستاده است؛ «وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ» (سبا، ۶) و «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (البقرة، ۱۱۹) که این هر دو هم برحقند و هم به سوی حق دعوت می‌کنند. به همین ترتیب خلقتش نیز برحق است؛ «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (الأنعام، ۷۳). از سوی دیگر باید دانست که هر حقی برای خداست؛ «أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ» (القصص، ۷۵) و از جانب اوست؛ «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (البقرة، ۱۴۷) (نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تبیین نسبت دومفهوم توحید و علم، ۸۳).

با بررسی مفهوم واژه حق در منابع این نتیجه به دست می‌آید: «حق در مورد یک امر ثابت به کار می‌رود که موجب استواری و احکام شده و چون در سر جای خود قرار گرفته،

صحت یک چیز را در پی دارد. بنابراین آنچه حق است، مطابق با واقع و در محل خویش است. از این‌روست که به چیزی که راست و درست است حق و حقیقت گفته می‌شود و آنچه دارای هدف و غایتی صحیح است و در آن مطابقت و هماهنگی دیده می‌شود نیز حق است.» (همان، ۸۲ و ۸۳). حق در قرآن کریم با واژگانی چون «سنت»، «قَدَر» و «امر» دارای رابطه معناداری است. عالم برحق است یعنی دارای ویژگیهای ذیل است:

- دارای قوانین و ستنهایی ثابت، بی‌نقص و درست است که تمام مخلوقات خواه ناخواه از آن تبعیت می‌کنند. اساسا خلقت و روابط میان مخلوقات (با خود و با خداوند) بر پایه همین قوانین شکل گرفته است (همان، ۸۹ و ۹۰؛ نک: الأعراف، ۵۴).

- دارای دوام، پایداری و استحکام است به‌نحوی که اگر قانونی کشف شود، می‌توان آن را در شرایط یکسان تعمیم داد و از فوایدش بهره جست (همان؛ نک: الحج، ۶۵).

- برای بشر منفعت واقعی دارد؛ این ویژگی حاصل دوام و عدم تغییر در عالم و قوانین موجود در آن است (همان، ۹۱) (نک: الرعد، ۱۷).

- تمام مخلوقات دارای مقصد و هدفی هستند که خداوند از پیش برایشان مقدر کرده است (همان، ۹۲) (نک: آل عمران، ۱۰۹).

- تمام عالم دارای یک هماهنگی بی‌نظیر است و هیچ‌گونه نقصی در آن راه ندارد (همان) (نک: ق، ۶).



نمودار ۱- ویژگیهای برحق بودن عالم

بر این اساس در مورد توحید خالقیت و توحید ربوبی می‌توان گفت: «توحید یعنی یگانگی خداوندی که هم خالق است و هم مدبر، و توحیدی‌بودن آفرینش یعنی درکنار هم دیدن مجموع ویژگی‌های فوق در خلقت. عالم توحیدی است؛ یعنی مبدأش یکی است، مقصدش یکی است و انرژی‌ای که آفرینش را از آن مبدأ به این مقصد می‌رساند نیز یکی است و این ناموس خلقت است؛ زیرا با تزلزل در هریک از ارکانش از هم می‌پاشد. به بیان دیگر توحید آن ناموس یا «ملکوت» هستی است که مخلوقات، بی‌کم و کاست و بی‌چون و چرا و با هماهنگی و یکپارچگی، چون پیکره‌ای واحد براساس آن در حرکت به سوی غایت خویشند.» (همان، ۹۳).

با در نظر گرفتن مفاهیم بالا می‌توان گفت که منشأ حق در عالم یکی است، همان‌گونه که خداوند یکی است؛ زیرا خدا برحق است و حق با خداست: «فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرِفُونَ» (یونس، ۳۲). بنابراین هر جا سخن از توحید ربوبی است، می‌توان به جای آن از واژه «حق» استفاده کرد؛ زیرا ربوبیت خداوند بر پایه اداره هستی بر مبنای حق است و حق چیزی جدای از خداوند نیست.

در همین راستا می‌توان به برهان نظم در کلام اسلامی اشاره داشت. قرآن از موجودات جهان به عنوان «آیات»؛ یعنی علائم و نشانه‌هایی از خداوند یاد می‌کند. نظم و سامان خاصی که بر کل جهان به صورت کلی حاکم است، انسان را به وجود خداوند رهنمون می‌کند؛ خدایی که آفریننده و تدبیرکننده جهان است (سبحانی تبریزی، ۳۳/۱-۳۹). در این زمینه آیات فراوانی وجود دارد که می‌توان به آیه ۱۶۴ از سوره بقره و آیه سوم از سوره ملک اشاره نمود. این برهان بر دو مقدمه استوار است:

اول: جهان طبیعت دربردارنده پدیده‌های منظم است.

دوم: هر نظامی نیازمند تدبیر فاعلی نظم‌آفرین است.

در برخی منابع متقدم اسلامی نام این برهان «اتقان صنع» است و نه برای اثبات وجود خداوند، که برای اثبات صفاتی چون علم و حکمت الهی به‌کار رفته است که یادآور

توحیدی ربوبی ذکر شده در این مقاله است (نک: اشعری، اللمع، ۱۰ و غزالی، ۱۲۹/۱).

۲-۳. جهان‌شمولی تفسیر نشانه‌ها

قرآن با معرفی خود به عنوان «هُدًى لِلنَّاسِ» (البقرة، ۱۸۵)، ادعای جهان‌شمولی دارد. اما پرسش این است: چگونه یک متن می‌تواند برای فرهنگ‌ها و دوران‌های مختلف مرتبط باشد؟ پاسخ در ویژگی نشانه‌محور بودن زبان قرآن نهفته است:

الف. وابستگی به جهان‌بینی: تفسیر نشانه‌ها به پیش‌فرض‌های فکری مخاطب بستگی دارد. به عنوان مثال، نشانه «صلیب» برای یک مسیحی نماد رستگاری است، اما برای یک بودایی فاقد این معناست.

ب. تأثیر دانش و تجربه: درک نشانه‌ها با پیشرفت دانش تغییر می‌کند (مثلاً تفسیر حرکت ستارگان در گذشته و امروز).

ج. یکپارچگی در عین کثرت: قرآن با تأکید بر توحید ربوبی، وحدت حقیقت را حفظ می‌کند، حتی اگر تفسیر نشانه‌ها متنوع باشد.

نمودار زیر رابطه مفهومی بین سه محور نظری فوق را نمایش می‌دهد:



نمودار ۲- رابطه سه محور نظری در هدایت قرآن

این مدل نشان می‌دهد که هدایت قرآن نه از طریق تحمیل گزاره‌های ثابت، بلکه از طریق فرایند پویای تعامل با نشانه‌ها محقق می‌شود که در ادامه بیشتر به آن پرداخته خواهد شد.

۳- تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن: رویکردی تطبیقی

این بخش با ترکیب چارچوب‌های نشانه‌شناسی، کلام اسلامی، و تفاسیر قرآنی، به تحلیل عمیق‌تر آیات می‌پردازد و به نقد نظریه‌های رقیب پاسخ می‌دهد.

۳-۱. قرآن به مثابه نظام نشانه‌ها: دیدگاه‌های موافق و مخالف

قرآن با تکیه بر واژه «آیه»، هم به آیات نوشتاری خود اشاره می‌کند و هم به پدیده‌هایی بیرون از خود؛ به طور کلی آن هنگام که «آیه» به چیزی بیرون از متن قرآن اشاره دارد، به یکی از چهار مورد؛ طبیعت و قوانینش، انسان و انسان‌شناسی، معجزه و آنچه مایه عبرت است اشاره دارد (نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تأملی در سبک زندگی توحیدی، ۱۸۱). این دوگانگی، زبان قرآن را به یک سامانه نشانه‌ای پیچیده تبدیل می‌کند که مخاطب را به تأمل و کشف رابطه بین دال‌ها و مدلول‌ها فرا می‌خواند. برای مثال به این آیه بنگرید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ... لَايَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (البقرة، ۱۶۴). این آیه، پدیده‌های طبیعی (آسمان، زمین، شب و روز) را به عنوان «آیات» معرفی می‌کند. در اینجا، «آیات» هم به عنوان دال (اشاره به متن قرآن) و هم به عنوان مدلول (نشانه‌های الهی در طبیعت) عمل می‌کنند. بنابراین مخاطب باید با تعقل، رابطه بین این نشانه‌ها و ربوبیت الهی را کشف کند. و یا در این آیات: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَايَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ * وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ * وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ» (الجمعة، ۳-۵). تکرار واژه «آیات» در این آیات، بر نقش دوگانه قرآن به مثابه «متن» و «فرامتن» تأکید دارد. این ساختار، مخاطب را به عبور از سطح ظاهری متن به سوی کشف نشانه‌های وجودی هدایت می‌کند.

۳-۱-۱. نظریه موافق: نشانه‌شناسی قرآن به مثابه کلید هدایت

علامه طباطبایی در «المیزان» تأکید می‌کند آیات قرآن، همچون آیات تکوینی، نشانه‌هایی هستند که انسان را به توحید ربوبی رهنمون می‌کنند (طباطبایی، ۱۲/۱). همچنین ابن عاشور در «التحریر و التئویر» قرآن را نظامی از دلالت‌های زبانی و طبیعی می‌خواند که مخاطب را به تأمل وامی‌دارد (ابن عاشور، ۴۵/۱). مشابه این نظریه در منابع غیراسلامی نیز دیده می‌شود. از جمله اومبرتو اکو (Umberto Eco) در کتاب «نظریه نشانه‌شناسی» استدلال می‌کند که متون مقدس، به دلیل ساختار نمادینشان، قابلیت تفسیر چندلایه دارند (Eco, 324) یا براساس نظر چارلز پیرس که نشانه را به شمایل، نمایه و نماد تقسیم‌بندی می‌کند، می‌توان

تفسیر قرآن به مثابه نماد را ممکن دانست (Hartshorne, 227-248).

نکته قابل تأملی که باید در نظر گرفته شود این است که تأکید علم نشانه‌شناسی نوین عموماً بر زبان و فهم متن است (قائم‌نیا، ۵۹)، حال آن که مقصود ما از نشانه‌شناسی قرآن و نشانه‌محور بودن آن این است که قرآن سعی دارد دائماً ما را به بیرون از خود متوجه کند و هدایت را منحصر در خواندن و فهم متن نمی‌داند. در واقع از نگاه قرآن کریم، این تنها قرآن نیست که ابزار هدایت انسانهاست؛ بلکه خداوند رحمان، عالم را به گونه‌ای آفریده است که سراسر حاوی نشانه‌هایی برای هدایت انسان به سوی حق و صراط مستقیم هستند. خداوند برای هدایت بشر بر روی زمین ابزارهای مختلف هدایتی قرار داده که ما به مجموعه آنها بسته هدایتی می‌گوییم. خود قرآن هم یکی از اجزاء و شاید مهمترین جزء آن بسته هدایتی است. از این روست که به تمام ابزار دیگر نیز واژه «آیه» اطلاق و راههای توسعه ابزار هدایت را فراهم می‌کند. اگر قرآن به تنهایی می‌خواست بار هدایت انسان را بردارد و تمام جزئیات مسیر را به انسان بیاموزد، عدد صفحات آن به میلیون‌ها یا میلیارد‌ها می‌رسید؛ حال آنکه با روش نشانه‌ها، هدایت در لایه‌های طبیعت، عقل و قلب انسان، در معارف تاریخی و تجربی، الهام و کشف و شهود، متافیزیک، عرفان و فلسفه، ریاضیات و خلاصه در همه جا جای‌گذاری شده و قرآن که «هدی للناس» است آمده تا هم خود بخشی از مسائل مربوط به هدایت را بازگو کند و هم به مثابه یک کتاب راهنما، به دیگر ابزار هدایت که توسط خداوند در این عالم قرار گرفته اشاره کند و انسان را با انذار و تبشیر، موظف به توجه و پرداختن به آنها کند و با چنین تربیتی او را حقیقت‌جو و هدایت‌طلب بار آورد.

۳-۱-۲. نظریه مخالف: نقد رویکرد نشانه‌شناختی

از جمله کسانی که می‌توان آرائش را مخالف نظر مقاله دانست شیخ محمد عبده است. وی در «رسالة التوحید» هشدار می‌دهد که تأکید بر نشانه‌ها ممکن است به تأویل‌گرایی افراطی و دوری از نص قرآن بینجامد (عبده، ۸۸). این در حالی است که قرآن خود در آیه هفتم از سورة آل عمران می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ... وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ». این آیه نشان می‌دهد که قرآن همزمان متن محکم (دلالت صریح)

و متشابه (نیازمند تأویل) دارد. رویکرد نشانه‌شناختی، نه تأویل‌گرایی افراطی، بلکه تعادل بین نص و تأمل را ترویج می‌کند.

سید قطب نیز در تفسیر «فی ظلال القرآن» معتقد است؛ قرآن متن هدایت است، نه مجموعه‌ای از نشانه‌های مبهم (سیدبن قطب، ۱۳۳/۲). قریب به این مضمون در فهم و تفسیر متون مقدس را می‌توان در منابع غیراسلامی نیز یافت، آنجا که ژاک دریدا (Jacques Derrida) در کتاب «گراماتولوژی» یا «بزرگی هرمنوتیک» استدلال می‌کند که هرمنوتیک نشانه‌محور می‌تواند به نسبی‌گرایی تفسیری منجر شود (Derrida, 100-101). جواب این سخن این است که هرچند در تفسیر قرآن کریم (چنان که طی قرن‌ها نیز مشهود بوده است) بخشی از این نسبی‌گرایی را گریزی نیست، ولی از سوی دیگر می‌توان به آیه نهم از سوره اسراء اشاره کرد: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» که براساس آن وحدت حقیقت در قرآن کریم مانع از نسبی‌گرایی تام و ازهم‌گسیختگی معنایی می‌شود. در واقع می‌توان ادعا کرد که تفسیر نشانه‌ها در چارچوب توحید ربوبی و شناخت و کشف حق و حقیقت، کثرت در عین وحدت را ممکن می‌سازد.

۳-۲. توحید ربوبی و نشانه‌ها: تحلیل تطبیقی

قرآن، توحید ربوبی و برحق‌بودن را محور هدایت می‌داند و نشانه‌ها را ابزاری برای درک این حاکمیت الهی معرفی می‌کند. در آیه ۶۴ از سوره آل عمران می‌خوانیم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ». مفهوم کلمه سواء که همان توحید است، در این آیه به مثابه نمادی است که نشانه‌های پراکنده در ادیان را حول محور ربوبیت الهی یکپارچه می‌کند و پذیرش توحید ربوبی، مستلزم توجه به نشانه‌هایی است که تدبیر الهی را در جهان آشکار می‌سازند: «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ» (الزخرف: ۸۴). همچنین در آیه ۳۱ از سوره یونس می‌خوانیم: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ... قُلِ اللَّهُ». این آیه، با پرسشگری فعال، مخاطب را به تأمل در نشانه‌های رزق (مانند باران) وامی‌دارد تا به ربوبیت الهی پی ببرد. این رویکرد، زبان قرآن را از یک متن انفعالی به یک مکالمه پویا تبدیل می‌کند.

۳-۲-۱. دیدگاه موافق: توحید ربوبی به مثابه محور تفسیر

فخررازی توضیح می‌دهد که ربوبیت الهی، کلید فهم آیات است؛ زیرا خداوند هم خالق است و هم مدبر (فخرالدین رازی، ۲۰/۵). در این صورت توجه به نشانه‌های موجود در هستی راز دستیابی به تدابیر الهی در عالم خواهد بود تا انسان با تدبیر و فهم آنها و رسیدن یا نزدیک شدن به حق، از آنها عبرت گیرد و به صراط مستقیم هدایت شود:

هر چه در عالم عیان شد صورتش نقد حال است از برای عبرتش
حتی در منابع غربی نیز چنین نظراتی در مورد ربوبیت خداوند مطرح است. میرچا الیاده (Mircea Eliade) در کتاب «مقدس و نامقدس» استدلال می‌کند که نشانه‌های مقدس، تجلی امر الوهی در جهان مادی هستند (Eliade, 138).

به بیان دیگر اگر بخواهیم آیات قرآن را به تنهایی و در خارج از شبکه معنایی آیات در هستی ببینیم ممکن است به کج فهمی دچار شویم. در عوض اگر آیات برون‌متنی قرآن را هم مانند آیات متنی‌اش نشانه‌ای از حق بدانیم؛ علم را که همان کشف قوانین موجود در آیات طبیعت (علوم تجربی) است و مدلول این نشانه‌ها را روشن می‌کند موجه بدانیم، نشانه‌های تاریخی و متون روایی را در نظر داشته باشیم، از درون و فطرت خود و قوانین مربوط به انسان و انسان‌شناسی (علوم انسانی) غافل نشویم، شهود باطنی را در گستره دید داشته باشیم و همه اینها را با ذهنی حق‌گرا برهم منطبق کنیم، احتمال بدفهمی بسیار کمتر خواهد شد. شخص موحد می‌داند که معانی و مدلول تمام این نشانه‌ها باید یکی باشد و لاجرم باید بر حق منطبق باشد، همان‌گونه که می‌داند منشأ حق بیش از یکی نیست. پس اگر تفسیری از آیات قرآن دارد که با یکی از نشانه‌های قطعی دیگر از بسته هدایتی الهی در تناقض است، باید در درستی تفسیرش شک کند و آن را بر محور توحید ربوبی بازتفسیر کند. از سوی دیگر اگر با عقل خود از نشانه‌ای به مدلولی رسید که با آیه محکمی از قرآن کریم هم‌خوانی ندارد، باید آن تفسیر عقلی را دوباره بازبینی کند و با یک نگاه رفت و برگشتی آن دو را به هم برساند.

این بازتفسیرها نه تنها نشانه ضعف عقل یا عدم جهان‌شمول بودن قرآن نیست، بلکه به

واسطه‌ای که نتیجه طبیعت نظام نشانه‌ها در عالم است، ضروری است. خداوند برای هدایت انسان نظام نشانه‌ها را برگزیده و هزاران سال آن زبان را به انسان آموخته است. انسان در ابتدای تاریخ دریافت که برای یافتن شکار باید از ردپای حیوانات به عنوان نشانه کمک بگیرد؛ فهمید برای مسیریابی از ستاره‌ها بهره بگیرد و به این ترتیب به تدریج یاد گرفت که برای هدایت به صراط مستقیم باید نشانه‌ها را پیگیری کند. مادر طبیعت کلمه به کلمه نشانه‌های خود را به انسان نوآموز آموزش داد تا انسان روابط نشانه‌ها با حق را دریابد. البته این مسیر ادامه دارد و هنوز بسیاری از نشانه‌ها در درون انسان، فطرت، احادیث و روایات، تاریخ، فضا، الهام، رؤیا و بالاتر از اینها در قرآن کریم باقی مانده است و انسان باید برای استوارماندن در مسیر هدایت، رابطه آنها را با حق بیابد.

۳-۲-۲. نظریه مخالف: تحدید دامنه ربوبیت

معتزله با تأکید بر عقلانیت محض، تفسیر نشانه‌ها را محدود به برداشت‌های منطقی می‌دانند و نقش تجربه را نادیده می‌گیرند (اشعری، ۶۷/۱). در حالی که قرآن کریم در آیه ۱۹۱ از سوره آل عمران می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...». این آیه نشان می‌دهد که ترکیب عقل و تجربه (تفکر در خلقت) لازمه درک نشانه‌هاست.

از سوی دیگر ریچارد داوکینز (Richard Dawkins) در کتاب «توهم خدا» نشانه‌های دینی را توهمات ذهنی می‌خواند (Dawkins, 380). این سخن وی البته با توجه به مطالب موجود در کتاب مقدس (انجیل) است. برای مثال می‌توان به این سخنان وی استناد کرد: «کسی که به صحت چیزی باور دارد چون در کتاب مقدس آن‌طور نوشته شده، و حتی اگر همه شواهد دنیا را هم برخلاف رأی او باشند، چون در کتاب مقدس او طور دیگری نوشته، آن شواهد را نمی‌پذیرد؛ من مطلقاً منکر می‌شوم که چنین آدمی باشم. اگر شواهد، مرا به پذیرش مطلبی وادارند من هم مثل هر دانشمندی مشتاقانه آن را می‌پذیرم. من بدون داشتن شواهد چیزی را درست نمی‌دانم.» (همان). در حالی که رویکرد قرآن به نشانه‌ها، مبتنی

بر تعامل عقلانی با آنهاست، نه پذیرش کورکورانه. برای نمونه آیه ۲۴ سوره یونس: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ... لَايَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» شاهی است بر این سخن که تا در زمره «قوم یعقلون» قرار نگیری، در اختلاف شب و روز، نشانه‌ای نمی‌بینی.

به‌طور کلی در ۳۷ آیه با عبارات گوناگون به تعمق در آیات و نشانه‌ها تأکید شده و مهمتر اینکه نشانه‌ها را مخصوص و منحصر برای عقلا و علما می‌داند؛ یعنی راه رسیدن به این نشانه‌ها و کشف رمز از آنها داشتن و بهره‌بردن از عقل، علم و توانایی‌های درونی است. این غیر از مواردی است که به‌طور کلی از ضرورت کسب آگاهی و بهره‌بردن از اندیشه‌ورزی و ارزش عقل و علم و فکر سخن به‌میان آمده‌است. نتیجه اینکه هدایتگری خداوند در قرآن از طریق پرورش و رشد دادن (الجن، ۱ و ۲) انسانها با تشویق نسبت به بهره‌گیری از ابزار درونی قلب و تعقل و تفکر است که خود با بررسی آیات و نشانه‌ها (چه درون قرآن، چه آیات آفاقی و انفسی و چه نشانه‌ها و آیات دیگر) میسر می‌شود.

واژه	همنشین	تعداد	آدرس
آیه / آیات	لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ	۸	بقره، ۱۶۴؛ رعد، ۴؛ نحل، ۱۲؛ روم، ۲۴؛ نحل، ۶۷؛ عنکبوت، ۳۵؛ روم، ۲۸؛ جاثیه، ۵
	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	۴	بقره، ۷۳ و ۲۴۲؛ نور، ۶۱؛ حدید، ۱۷
	لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	۷	یونس، ۲۴؛ رعد، ۳؛ روم، ۲۱؛ زمر، ۴۲؛ جاثیه، ۱۳؛ نحل، ۶۲ و ۱۱
	لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	۸	انعام، ۹۷ و ۱۰۵؛ اعراف، ۳۲؛ توبه، ۱۱؛ یونس، ۵؛ نمل، ۵۲؛ فصلت، ۳
مفهوم و مصداق آیه	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	۱	غافر، ۶۷
	أُولُوا الْأَلْبَابِ	۷	بقره، ۲۶۹؛ آل عمران، ۷؛ رعد، ۱۹؛ ابراهیم، ۵۲؛ ص، ۲۹؛ زمر، ۱۸ و ۹
قرآن	لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ	۲	یوسف، ۲؛ زخرف، ۳

جدول ۱- همنشین‌های لفظی و مفهومی «آیه» با دلالت عقلی

۳-۳. جهان‌شمولی تفسیر: چالش‌ها و پاسخ‌ها

تفسیر نشانه‌های قرآنی، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و دانشی قرار دارد، اما توحید ربوبی به عنوان محور ثابت، وحدت حقیقت را حفظ می‌کند. اگر در تفسیر نشانه‌ها تفاوت فرهنگی وجود داشته باشد، فهم از آن نشانه نیز متفاوت خواهد بود. برای نمونه صلیب برای یک مسیحی، نماد رستگاری است، در حالی که برای یک بودایی فاقد هیچ معنای دینی است. در چنین شرایطی قرآن کریم با تمرکز بر توحید ربوبی، به جای تحمیل برخی نمادها، بر فرایند کشف حق و حقیقت تأکید می‌کند. همچنین است تأثیر دانش در تفسیر نشانه‌ها؛ هرچه آگاهی و دانش در زمینه یک نشانه بیشتر باشد، فهم آن نیز دگرگون خواهد شد. ستارگان در قرون ابتدایی شاید تنها ابزاری برای جهت‌یابی بودند، حال آنکه امروزه نشانه‌هایی از گسترش کیهانند: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (الذاریات، ۴۷). جالب توجه اینکه قرآن با بیان اینکه: «سُتْرِیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ» (فصلت، ۵۳)، تفسیر تدریجی نشانه‌ها را پیش‌بینی می‌کند و هر درجه از فهم نشانه‌ها را که بر اساس بالا رفتن دانش بشری است، موجه می‌شمرد.

انتظار از قرآن بحث مهمی است و نشانه‌دیدن قرآن انتظار از آن را در حد نشانه‌بودن حفظ می‌کند. به این معنا که دیگر کسی نمی‌تواند ادعا کند که تنها و تنها از طریق آیات متنی قرآن، کامل‌ترین مسیر هدایت را یافته بدون اینکه نشانه‌های برون‌متنی قرآن را بررسی کرده باشد. علت آن است که قرآن قوانین بهداشتی، فیزیکی، حتی بسیاری از قوانین اجتماعی و... را صراحتاً بیان نکرده، بلکه انسان را به سوی کشف آنها هدایت کرده است.

۳-۳-۱. دیدگاه موافق: قرآن و تأیید تفاوت و گوناگونی در تفسیر

در اینکه با در نظر گرفتن زمان و مکان، و با تفاوت در دانش بشری، فهم از نشانه‌ها و در نتیجه فهم از قرآن کریم به عنوان کتاب نشانه‌محور متفاوت خواهد بود، شکی نیست؛ اما در برابر این واقعیت، اندیشمندان به دو دسته تقسیم شدند؛ عده‌ای این تفاوت و گوناگونی را به رسمیت شناختند و آن را تأیید کردند و عده‌ای نپذیرفتند. محمدحسین فضل‌الله از

جمله موافقان است و در تفسیر «من وحی القرآن» می‌نویسد: تفسیر قرآن، محصول تعامل متن با ذهنیت مفسر و شرایط زمانی اوست (فضل‌الله، ۱۵/۳) و عبدالکریم سروش در «قبض و بسط تئوریک شریعت» استدلال می‌کند که قرآن، متنی زنده است که با پیشرفت دانش، معانی جدیدی را آشکار می‌کند (سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ۱۲۲). این دیدگاه در فهم مطلق متون نیز مورد تأیید گروهی قرار دارد. از جمله هانس گئورگ گادامر (Hans-Georg Gadamer) در کتاب «حقیقت و روش» بر نقش افق‌های فهم در تفسیر متن تأکید می‌کند (Gadamer, 360).

۳-۲-۳. نظریه مخالف: خطر اضمحلال معنا

در مقابل گروه پیشین، برخی تفاوت در فهم و تفسیر قرآن کریم را بر نمی‌تابند و آن را انحراف از حق می‌دانند؛ ابن تیمیه در کتابش به نام «درء تعارض العقل والنقل» هشدار می‌دهد که تفسیرهای متنوع می‌توانند به تحریف مفاهیم قرآنی بینجامند (ابن تیمیه، ۵۵/۱). در پاسخ چنین نظری می‌توان به آیه ۸۲ از سوره نساء اشاره داشت: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا». این آیه به نوعی نشان می‌دهد که تنوع تفسیری، به شرط پایبندی به وحدت حقیقت (من عندالله)، مجاز است. توضیح اینکه به دلیل ساختار نشانه‌ای قرآن کریم، تفسیرها و فهم‌های متعدد از قرآن اجتناب‌ناپذیر است؛ اما کسی که معتقد به وحدانیت حق و رسوخ حق در تمام تار و پود عالم است، آنقدر آیه را می‌کاود و نشانه‌های آن را با سایر محکومات در نشانه‌های برون‌متنی تطابق می‌دهد تا جهت‌گیری درست آن آیه را دریابد:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (البقرة، ۲۶)

براساس آیه فوق، تنها کسانی موفق به فهم مدلول درست نشانه‌های قرآن می‌شوند که

به یکتا بودن و درهم‌تنیده بودن حق در عالم ایمان داشته باشند و به دنبال معنای صحیح قول خدا و تطابق آن با فعل خدا (طبیعت و علم) باشند. خداوند همان‌گونه که قرآن را قول حق می‌داند، خلقت را هم قول حق می‌داند:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ...»

(الأنعام، ۷۳)

همچنین توماس آکویناس (Thomas Aquinas) ادعا می‌کند که متون مقدس باید تنها یک معنای اصیل داشته باشند. این عده معتقدند، قرائت‌های مختلف از یک متن مقدس پذیرفتنی نیست و نباید اتفاق بیفتد (آکویناس، ۱۰۰).

در پاسخ این دسته نیز باید گفت باور معتقدان به نظریه قرائت‌های گوناگون (Multiple Readings در الهیات مسیحی (نک: مک‌گراث) و قرآن «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ» (هود، ۱) این است که متون مقدس می‌توانند هم‌زمان ثابت (محکمات) و منعطف (متشابهات) باشند.

جدول تطبیقی نظریه‌های موافق و مخالف را می‌توان به این صورت ترسیم نمود:

موضوع	نظریه موافق	نظریه مخالف	پاسخ قرآنی/علمی
نقش نشانه‌ها	نشانه‌ها ابزار هدایت پویا هستند (طباطبایی، اکو)	نشانه‌ها به تأویل‌گرایی می‌انجامد (عبده، دریدا)	لَيَبِينَنَّ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ فِيهِ (النحل، ۶۴)
توحید ربوبی (برمدار حق)	ربوبیت، محور وحدت‌بخش تفسیرهاست (رازی، الیاده)	ربوبیت محدود به خالقیت است (معتزله، داوکینز)	قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا (الأنعام، ۱۴)
جهان‌شمولی تفسیر	تفسیرها متنوع اما همسو با حقیقت واحدند (سروش، گادامر)	تفسیرهای متنوع به تحریف می‌انجامند (ابن تیمیه، آکویناس)	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ سِبْأً، (سبا، ۲۸)

جدول ۲- جدول تطبیقی نظریه‌های موافق و مخالف

تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن نشان می‌دهد که زبان قرآن به مثابه «زبان نشانه»، نه تنها با چارچوب‌های کلامی و تفسیری سنتی سازگار است، بلکه پاسخگوی چالش‌های

مدرنی چون نسبی‌گرایی و پلورالیسم است. قرآن با ترکیب ثبات در هدف: «صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» و انعطاف در روش: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (المائدة، ۴۸)، الگویی بی‌همتا برای هدایت فرازمانی ارائه می‌دهد. قرآن کریم با بهره‌گیری از زبان نشانه‌ها، مخاطب را به فرایندی فعالانه برای کشف حقیقت دعوت می‌کند. از سوی دیگر توحید ربوبی، به عنوان محور ثابت، تفسیرهای متنوع را حول یک حقیقت واحد هماهنگ می‌سازد و جهان‌شمولی قرآن نه در گزاره‌های ثابت، بلکه در قابلیت انطباق نشانه‌ها با شرایط مختلف نهفته است.

۴- نتایج نشانه‌محور دیدن زبان قرآن

این بخش یافته‌های کلیدی پژوهش را خلاصه می‌کند و آنها را در تعامل با ادبیات موجود تحلیل می‌نماید.

۴-۱. یافته‌های کلیدی

الف. زبان قرآن به مثابه نظام نشانه‌ها و قرآن کتاب ارجاع: قرآن با استفاده از واژه «آیه»، هم به متن نوشتاری و هم به نشانه‌های فرامتنی اشاره می‌کند. این دوگانگی، قرآن را به یک سامانه نشانه‌شناختی پویا تبدیل می‌کند که مخاطب را به تأمل و تعامل فرامی‌خواند: «سُتْرِیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنْفُسِهِمْ» (فصلت، ۵۳). اگر با در نظر گرفتن این نکته به آیات نگریسته شود، حاصل این خواهد بود که قرآن، مجموعه‌ای از ارجاعات است؛ ارجاعاتی که مانند یک آدرس عمل می‌کنند. نشانه‌هایی که مانند برخی علامات و نمادها در نقشه‌ها هستند و با پیگیری آنها می‌توان به هدف نهایی رسید. صد البته که چون عالم در عالی‌ترین حد خود آفریده شده و دارای پیچیدگیهای فراوانی است، نشانه‌ها و آدرسها هم نمی‌توانند به این سادگی باشند. برخی ارجاعات قرآن، ارجاع به دانسته‌های قبلی خود انسان است. بسیاری از دانشها را خداوند در درون خود ما نهادینه کرده است و قرآن برای بیرون ریختن‌شان به همان‌ها اشاره می‌کند و این همان

مفهوم «ذکر» بودن قرآن است: «ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ» (ص، ۱)

وقتی خداوند در قرآن - که کتاب راهنمای بشریت به سوی هدایت است - به آیات دیگرش در این عالم از جمله آیات آفاقی و انفسی اشاره می‌کند، این خود گواه حقانیت پرداختن و کشف قوانین مربوط به آنها و موجه بودن استفاده از نتایج مطالعات در مورد آنهاست (نک: نوری‌افشان و فتوت‌احمدی، تأملی در سبک زندگی توحیدی، ۱۶۶). از سوی دیگر قرآن برخی منابع فکری و الگوگیری در بیرون از خود را ناموجه اعلام می‌کند؛ منابعی چون جادو، الهام‌های شیطانی، پیروی از هوای نفس، سرسپردگی به غیر خدا، ظن و گمان بیهوده، استدلالات سست و پیروی چشم بسته از اجداد و سنت گذشتگان و...

ب. توحید ربوبی در قرآن؛ محور وحدت‌بخش و کانون مرکزی هدایت:

توحید ربوبی «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ» (الرعد، ۱۶) تفسیرهای متنوعی از نشانه‌ها را حول محور حاکمیت الهی هماهنگ می‌سازد. این مفهوم، تضاد بین ثبات حقیقت و تغییرپذیری تفسیرها را حل می‌کند. قرآن کتاب راهنمایی است که بسته کامل هدایتی خداوند برای انسان را معرفی کرده و همزمان که خود در کانون مرکزی این بسته هدایتی قرار دارد، شیوه بهره‌گرفتن از آنها را نیز به انسان می‌آموزد. شیوه بهره‌گیری از تمامی نشانه‌ها همانا حق‌گرا بودن یا موحد بودن به توحید ربوبی و ایمان به یکتا بودن قول و فعل خداوند در تمام هستی است. مرحله اول برای قرارگرفتن در مسیر هدایت، ابزار درونی عقل و فطرت است. کسانی که به‌درستی از آنها بهره‌گیرند، در مواجهه با قرآن سر تسلیم فرود خواهند آورد و به حقانیتش یقین پیدا می‌کنند و از طریق قرآن هدایتی افزون می‌یابند: «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى...» (مریم، ۷۹)
«وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد، ۱۷)

ج. جهان‌شمولی تفسیر نشانه‌ها و تغییر انتظار از قرآن

تفسیر نشانه‌های قرآنی تحت تأثیر دانش، فرهنگ و تجربه است؛ اما این تنوع، به شرط

التزام به توحید ربوبی، به تکثرگرایی هدایت‌محور منجر می‌شود. هرچند نمونه‌هایی علمی یا تاریخی در قرآن وجود دارد؛ با این حال نمی‌توان گفت قرآن کتابی علمی، تاریخی، ادبی و یا فلسفی است. در این نگاه، توجه باید دائما معطوف به اشارات قرآن باشد تا از هدف غایی انحراف ایجاد نشود. مثلا ممکن است خداوند در قرآن از یک گزاره به‌ظاهر علمی استفاده کرده باشد، ولی هدف از آن می‌تواند توجه‌دادن به برخی مسائل مربوط به خلقت و اهداف آن و تشویق به مطالعه هرچه بیشتر و تفکر و تعقل در آن زمینه باشد تا انسان را به جهت درست هدایت کند و از علم حاصل از آن نشانه در جهت بهبودی زندگی‌اش استفاده کند. در این‌صورت نگاه صرفا علمی به آن گزاره نه تنها انسان را به مقصود خداوند نزدیک نمی‌کند، بلکه ممکن است با مشغول ماندن در آن، از حقیقت و مسیر درست دور شود.

اگر انتظار از قرآن براساس نشانه و آیه‌بودنش باشد، دیگر دقیق‌نبودن و ابهام برخی گزاره‌های به‌ظاهر علمی نیز بی‌اهمیت می‌شود؛ برای ارجاع به طبیعت، نجوم، فیزیک و... قرآن گاهی برخی پدیده‌های طبیعی را مطرح می‌کند، اما آنها را به‌صورت دقیق و با گزاره‌های علمی بیان نمی‌کند، تا جایی که گاهی تصور می‌شود با علم در تعارض است. اولاً این ابهام در گفتار، خود می‌تواند نوعی راهکار باشد تا حتی کسانی که این پدیده را به‌گونه‌ای دیگر می‌فهمند، از مطلب اصلی به حاشیه نروند و در متن متمرکز باشند. از سوی دیگر این ابهام باعث می‌شود که پس از کشف حقایق پدیده‌ها، آیات طوری تفسیر شوند که تناقضی در کار نباشد. این خود نشان می‌دهد که هدف، آموزش آن پدیده نبوده، بلکه اشاره به یک نشانه برای استفاده از آن در راه هدایت بشر بوده است.

۴-۲. بحث تطبیقی با ادبیات موجود

الف. همسویی با مطالعات نشانه‌شناسی

نظریه اومبرتو اکو درباره «متن باز» (Eco, 324) با قابلیت تفسیر چندلایه قرآن همخوانی دارد؛ اما قرآن با تکیه بر توحید ربوبی، از افتادن به دام نسبی‌گرایی جلوگیری می‌کند.

ب. تفاوت با رویکردهای کلامی کلاسیک

برخلاف نظر شیخ محمد عبده که تفسیر نشانه‌ها را محدود به نص می‌داند (عبده، ۸۸)، این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن با ترکیب «محکّمات و متشابهات» (آل عمران، ۷)، هم به نص پایبند است و هم به تأویل دعوت می‌کند.

ج. پاسخ به نقدهای مدرن

ادعای ریچارد داوکینز مبنی بر «توهم‌بودن نشانه‌های دینی» (Hartshorne, 227-248) با شواهد قرآنی که بر تعامل عقلانی با طبیعت تأکید دارد: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخُلُقَ» (العنکبوت، ۲۰) رد می‌شود.

مؤلفه	یافته این پژوهش	نظریه‌های پیشین	نوآوری پژوهش
نقش نشانه‌ها	ابزار هدایت پویا و تعاملی	متن بسته (سید قطب) متن باز (اکو)	تلفیق نشانه‌شناسی با توحید ربوبی
توحید ربوبی	محور وحدت‌بخش تفسیرها	محدود به خالقیت (معتزله)	پیوند ربوبیت با تفسیر جهان‌شمول
تفسیر قرآن	تکثرگرایی هدایت‌محور	تفسیر تک‌معنایی (ابن تیمیه)	ترکیب ثبات حقیقت با انعطاف روشی

جدول ۳- جدول مقایسه‌ای یافته‌ها با نظریه‌های پیشین

۵- نتایج مقاله

این پژوهش با تحلیل نشانه‌شناختی آیات قرآن ضمن اینکه چارچوبی نوین برای تلفیق نشانه‌شناسی با الهیات اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند در طراحی روش‌های آموزشی قرآن و گفتگوی بین‌فرهنگی به کار رود، دارای سه دستاورد اصلی است:

۱. قرآن به مثابه زبان نشانه

قرآن با تعریف خود به عنوان «آیات»، مخاطب را به فرایندی فعالانه برای کشف رابطه بین نشانه‌های متنی و فرامتنی دعوت می‌کند. این رویکرد، قرآن را از یک متن ایستا به

یک مکالمه پویا و محور بسته هدایت الهی تبدیل می‌کند.

۲. توحید ربوبی و وحدت معنا

توحید ربوبی و حق نه تنها محور هدایت قرآند، بلکه به عنوان چارچوب ثابتی عمل می‌کنند که تفسیرهای متنوع را حول حقیقت واحد هماهنگ می‌سازند. این یافته، پاسخ قاطعی به نگرانی‌های نسبی‌گرایی (دریدا) و تحریف‌پذیری (این تیمیه) است.

۳. جهان‌شمولی و انعطاف تفسیری

قرآن با بهره‌گیری از زبان نشانه‌ها، الگویی فرازمانی و فرامکانی ارائه می‌دهد که همزمان با پیشرفت دانش و تحول فرهنگی سازگار است. این ویژگی، قرآن را به متنی زنده و پاسخگو به نیازهای انسان در هر عصر تبدیل می‌کند.



کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم
۲. آرکون، محمد، الفكر الأصولی و استحالة التأویل، ترجمه صالح هاشم، بیروت؛ دار الساقی، ۱۹۹۹م
۳. آکوبیناس، توماس، مدخل الهیات، ترجمه محمدرضا میرزایی، تهران؛ انتشارات عابدان‌دیش، ۱۴۰۲ش
۴. ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم، درء تعارض العقل والنقل، مدینه؛ إدارة الثقافة و النشر بالجامعة، ۱۴۱۱ق
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، تونس؛ الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۴م
۶. ابوزید، نصر حامد، مفهوم النص؛ دراسة فی علوم القرآن، بیروت؛ المركز الثقافی العربی، ۱۹۹۰م
۷. هومو، نوسازی، تحریم و تأویل؛ از شناخت علمی تا هراس از تکفیر، ترجمه محسن آرمین، تهران؛ نشر نی، ۱۳۹۶ش.
۸. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت؛ المكتبة العصرية، ۱۴۱۱ق
۹. هومو، اللمع فی الرد علی أهل الزیغ والبدع، ابوظبی؛ دار الحکماء للنشر، ۱۴۴۲ق
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم؛ اسراء، ج ۱۳، ۱۴۰۳ش
۱۱. چندلر، دانیل، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی یارسا، تهران؛ انتشارات سوره مهر، ج ۳، ۱۳۸۷ش
۱۲. حکیمی، محمدرضا، جامعه‌سازی قرآنی، قم؛ دلیل ما، ج ۹، ۱۳۸۹ش
۱۳. دامن‌پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران؛ نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ش
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، الهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، قم؛ مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۳ق
۱۵. سروش، عبدالکریم، فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳ش
۱۶. هومو، صراط‌های مستقیم، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۷ش
۱۷. هومو، بسط تجربه نبوی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۹ش
۱۸. هومو، قبض و بسط تئوریک شریعت؛ نظریه تکامل معرفت دینی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۹۳ش
۱۹. سیدین قطب، ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت؛ دارالشروق، ج ۱۷، ۱۴۱۲ق
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۲۱. عبدالرحمن، طه، تجدید المنهج فی تقویم التراث، بیروت؛ المركز الثقافی العربی، ج ۲، ۲۰۰۱م.
۲۲. عبده، محمد، رسالة التوحید، قاهره؛ مكتبة الأسرة، ۲۰۰۵م.
۲۳. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، ریاض؛ دار المنهاج، ۱۴۳۲ق.
۲۴. فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۲۰ق.
۲۵. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت؛ دارالملاک للطباعة و النشر، ج ۲، ۱۴۱۹ق.
۲۶. قائمی‌نیا، علیرضا، بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، تهران؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. قدردان ملکی، محمدحسن، راز خلقت و بقا؛ رابطه خدا با جهان، قم؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۳، ۱۳۹۸ش.
۲۸. کوهن، توماس، ساختار انقلابی علمی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران؛ انتشارات سمت، ۱۴۰۲ش.
۲۹. مطهری، مرتضی، توحید، تهران؛ صدا، ۱۳۸۷ش.
۳۰. مظاهری تهرانی، بهاره؛ مصالحي پور، عباس و ایزدی، مهدی، گونه‌شناسی آیات علمی قرآن و مبانی استنباط گزاره‌های علمی از آنها، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۶، صص ۱۰۵-۱۳۰، ۱۳۹۶ش.

۳۱. مک‌گراث، آلیستر، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم؛ انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ش
۳۲. نوری‌افشان، مهدی و فتوت‌احمدی، حامد، تأملی در سبک زندگی توحیدی برپایه معناشناسی واژه «آیه» در قرآن کریم، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۳، ۱۴۰۱ش
۳۳. همو، تبیین نسبت دو مفهوم «توحید و علم» برپایه کاریست کلیدواژه «حق» در قرآن کریم، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۳۳، ۱۴۰۲ش
۳۴. هاشمی، سیدحسین، قرآن و کثرت‌گرایی دینی (پلورالیسم)؛ مبانی، زمینه‌ها و انگیزه‌ها، پژوهشهای قرآنی، شماره ۳۱، ۱۳۸۱ش

35. Dawkins, Richard. The God Delusion. Bantam Press. 2006.
36. Derrida, Jacques. Grandeurs of the Hermeneutic. Stanford University Press. 2001.
37. Eco, Umberto. A Theory of Semiotics. Bloomington. Indiana Press. 1979.
38. Eliade, Mircea. The Sacred and the Profane. Translator: Willard R. Trask. Harper & Row. 1957.
39. Gadamer, Hans-Georg. Truth and Method. Continuum International Publishing Group. 1960.
40. Hartshorne, Charles; Weiss, Paul. Collected Papers of Charles Sanders Peirce. Harvard University Press. 1931.

